

مرور زمان کیفری و تکالیف پلیس

تاریخ دریافت: 1395/04/12

تاریخ پذیرش: 1395/06/18

حسین مهدی زاده کسرینه¹

از صفحه 149 تا 166

چکیده

زمینه و هدف: مرور زمان، گذشت زمانی است که مانع طرح دعوا یا موجب سقوط دعوای عمومی است. قانون گذار در سال 1392، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چهار نوع مرور زمان را در امور کیفری به رسمیت شناخت.

با توجه به پذیرش قواعد جدید مرور زمان و نظر به اینکه «جرم کشف شده» یا «متهم شناسایی شده» با گذشت زمان، غیرقابل تعقیب شده و حکم قطعی (علیه مجرم) نیز غیرقابل اجرا می شود، هدف این مقاله شناخت قلمروی مرور زمان و آثار آن بر رفتار پلیس است. به ویژه که مقررات مرور زمان، آمره است و امکان توافق بر خلاف آن وجود ندارد.

روش شناسی: در این نوشتار تلاش شده است که با استفاده از روش مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و جمع‌آوری یافته‌های تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی، حیطه اختیارات و وظایف پلیس در حوزه مرور زمان کیفری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یافته‌ها و نتایج: با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود مأمور پلیس در زمان «قبول شکایت» و یا کارآگاهان در لحظه «تعقیب متهم»، به فاصله «وقوع جرم» تا «کشف جرم» توجه کنند. چنانچه به این مهم توجه نشود از ابتدا یک پرونده بدون نتیجه، تشکیل خواهد شد. هم‌چنین مأموران پلیس و اینترپل در جلب مجرم، باید ابتدا به مهلت قانونی برای اجرای حکم، دقت کنند تا اقدامشان برای تأمین نظم، امنیت و عدالت، اقدامی مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: مرور زمان، جرم، حق شکایت، سقوط دعوای عمومی، تکلیف پلیس.

مقدمه

مرور در لغت به معنی گذشتن و گذر کردن است (معین، 1387: 1037). مقنن نیز مرور زمان را گذشت مدتی دانسته که به موجب قانون، پس از انقضاء آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود (قانون آیین دادرسی مدنی، 1318: 731). مرور زمان در اصطلاح حقوقیون هم عبارت از گذشتن مدتی از زمان است که به موجب قانون برای افراد وضعیت حقوقی مخصوصی که قبل از گذشتن مدت مرقوم نبوده، به وجود آید (مهدوی، 1336: 47). اصولاً مرور زمان عبارت از انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم که پس از آن، متهم دیگر قابل تعقیب و یا حکم دیگر قابل اجرا نخواهد بود (خالقی، 1395: 144).

مرور زمان در ابتدا مسئله‌ای بحث‌برانگیز به نظر می‌رسد؛ زیرا جرم کشف شده یا مجرم دستگیر شده، فقط به دلیل سپری شدن مدت زمانی مشخص، قابل تعقیب یا مجازات نیستند؛ اما مرور زمان، توجیه خود را در علل زیر پیدا می‌کند:

تضعیف ادله، آسیب‌پذیری شهادت‌ها که با گذر زمان، دچار نسیان یا خیال‌پردازی می‌شوند. حمایت از آسایش عمومی و عدم احیای خاطره ارتکاب جرم، هم‌چنین مجرمی که فرار کرده یا مخفی شده تا حدودی مجازات شده است (بوریکان و سیمون: 2003، 73).

مقامات دادسرا یا پلیس متعهد به تعقیب و رسیدگی به جرایم جدیدالوقوعی هستند که مخل نظم، امنیت و آسایش عمومی است؛ بنابراین تعقیب جرایم واقع شده در سنوات قبل و یا تداوم تحقیق در این شرایط و یا اجرای مجازات نسبت به احکام قطعی که مهر و مومها از صدور آن گذشته است، موجب کثرت پرونده‌ها و دور افتادن مقامات تعقیب، تحقیق یا اجرای حکم، از هدف اصلی است. مضافاً آنکه تعدد جرایم در ایران (بیش از 1500 عنوان مجرمانه) موجب اطاله دادرسی شده؛ بنابراین ضرورت انجام پژوهش حاضر به روشنی آشکار می‌شود.

سؤال اصلی تحقیق آن است که مرور زمان، کدام جرایم را شامل می‌شود؟ چه تأثیری در حقوق شاکی، متهم و یا مجرم دارد؟ مرور زمان کیفری، چه تأثیری بر رفتار مأمور پلیس دارد؟

بیان مسئله

هرچند مرور زمان می‌تواند شامل موضوعات کیفری و پرونده‌های حقوقی باشد؛ اما نظر به اینکه مرور زمان در دعاوی حقوقی، (به جز مرور زمان مسئولیت ظهرونی¹)، توسط شورای نگهبان خلاف شرع اعلام شد؛ در این مقاله صرفاً به مبانی مرور زمان در دعاوی کیفری می‌پردازیم.

اولین بار، مقررات مرور زمان در قانون مجازات عمومی مصوب 1304 پذیرفته شد که با پیروزی انقلاب اسلامی، نسخ شد. البته مرور زمان کیفری اهمیت خود را مجدداً بازیافت، به نحوی که ابتدا در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 و اخیراً نیز در قانون مجازات اسلامی جدید، به تصویب رسید و در حال حاضر، چهار نوع مرور زمان کیفری در کشور لازم‌الاجراست.

این پذیرش حداکثری مقررات مرور زمان، نگارنده را بر آن داشت تا این موضوع را مورد بررسی تحلیلی قرار دهد. تکلیف دادرسی، دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور در قانون بیان شده، لیکن بیان تکلیف اجرایی پلیس در تعقیب متهمان و مجرمان، مستلزم انجام تحقیق حاضر است.

مبانی نظری و یافته‌ها

کشورهای زیادی قواعد مرور زمان را مورد تصویب قرار داده‌اند (کاسسه²، 2003: 316). مرور زمان در کشورهای دارای نظام حقوق نوشته³ و در کشورهای برخوردار از نظام حقوق عرفی⁴، پذیرفته شده است (ریاضی، 2010: 109)؛ اما در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده که جرایم بین‌المللی، مشمول مقررات «مرور زمان» قرار نمی‌گیرند. مرور زمان نمی‌تواند مانع تعقیب متهمان به ارتکاب جرایم بین‌المللی نزد دیوان کیفری بین‌المللی شود (ورله⁵، 2009: 184). در این زمینه دو معاهده بین‌المللی وجود دارد که به عدم اجرای مرور زمان در جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت، تصریح

1- دارنده چک یا سفته در صورتی می‌تواند علیه پشت نویسی کننده سند تجاری، طرح دعوا کند که هم در مهلت قانونی وجه آن را مطالبه کند و هم در مهلت قانونی اقامه دعوا کند، والا به صراحت ماده 286 قانون تجارت، دعوی او در محکمه پذیرفته نمی‌شود.

2 - Antonio Cassese

3 - Civil Law under the title of "Periods of Prescription"

4 - Customary Law under the title of "Statute of Limitation"

5- Gerhard werle

شده است. پیمان‌نامه 1968 سازمان ملل و پیمان‌نامه 1974 اتحادیه اروپا (ورله)¹، (2009: 184).

اهمیت اجرایی مقررات مرور زمان در امور کیفری تا آنجاست که با وصف ایراد اولیه شورای نگهبان، مجدداً مورد پذیرش مقنن قرار گرفت. در حال حاضر، مقررات مرور زمان در پرونده‌های کیفری لازم‌الاجرا است. البته لازم است تأکید کنم که قواعد مرور زمان شامل حدود²، قصاص و دیات نشده و منحصرأً جرایم تعزیری (تعزیرات شرعی و تعزیرات عرفی) را شامل می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 (قانون آ.د.ک) و سپس به‌موجب قانون مجازات اسلامی جدید (ق.م. اسلامی)، مرور زمان کیفری پذیرفته شد و می‌توان گفت که با قانون جدید، «انواع مرور زمان» و «جرایم مرور زمان پذیر» گسترش یافتند.

قواعد مرور زمان در مراجع قضایی نظامی، همانند مقررات مربوط در مراجع قضایی عمومی است³، با این تفاوت که جرایم افراد نظامی و انتظامی، در زمان جنگ، مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرد⁴. همچنین «تخلفات انتظامی قضات»⁵ هم می‌تواند به دلیل مرور زمان، غیرقابل تعقیب شود.

قواعد مرور زمان جزایی آمره است و مراجع قضایی جزا باید آنها را مطلقاً مورد توجه قرار دهند، اعم از این که مجرم و متهم ایراد بکند یا نکند (مهدوی، 1336: 46). دکترین و رویه قضایی فرانسه بر این است که چنانچه متهم به مرور زمان استناد کند، اثبات خلاف ادعای متهم یا محکوم بر عهده مقام تعقیب است (آشوری، 1376: 145).

1- Gerhard werle

2- «حدود» مجازاتهای ثابت هستند؛ در حالی که «تعزیرات» کیفرهای متغیری هستند که به نظر قاضی واگذار شده‌اند (نورپها، 1379: 82)

3- ماده 135 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب 1382

4- ماده 624 قانون آیین دادرسی کیفری جدید

5- بند 2 ماده 25 قانون نظارت بر رفتار قضات: چنانچه موضوع پرونده انتظامی قاضی مشمول مرور زمان شود، تعقیب انتظامی وی متوقف می‌شود. مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی «سه سال» است.

مرور زمان شکایت

این نوع مرور زمان، فقط به جرم «قابل گذشت» اختصاص دارد. سابقه تقنینی آن هم در قانون صدور چک¹، وجود داشته و دارد. در این نوع مرور زمان، شاکی یا ورثه وی موظف هستند در مهلت قانونی (یک سال) شکایت کنند و آلا حق قانونی آنها برای شکایت کردن، ساقط می‌شود. این مهلت قانونی از تاریخ «اطلاع شاکی از وقوع جرم» آغاز می‌شود. اگر بین «تاریخ وقوع جرم» و «تاریخ اطلاع شاکی» فاصله زمانی وجود داشته باشد، اصل بر عدم اطلاع شاکی است؛ مگر اینکه قرائنی بر آگاهی وی از وقوع جرم، وجود داشته باشد (خالقی، 1395: 152).

ممکن است سؤال شود اگر شاکی مانعی برای شکایت کردن داشت، آیا مبدأ مرور زمان تغییر می‌کند؟ بله قانون‌گذار پیش‌بینی کرده که چنانچه شاکی تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد، مبدأ مرور زمان از تاریخ «رفع مانع» محاسبه می‌شود.

دومین نکته برای محاسبه مرور زمان، مدت‌زمانی است که باید سپری شود. مدت مرور زمان شکایت، «یک سال» است. در موارد «ترک تعقیب» نیز شاکی می‌تواند «تعقیب مجدد متهم» را فقط برای یک‌بار، «تا یک سال» از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب، درخواست کند. هرگاه متضرر از جرم قبل از پایان یک سال، فوت کند و دلیلی بر صرف‌نظر وی از طرح شکایت نباشد هریک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارند.

با توجه به این‌که ضابطان دادگستری، برابر ماده 37 قانون آ.د.ک، مکلف هستند شکایت شفاهی یا کتبی را همه وقت قبول کنند، شایسته است پلیس، ضرورت شکایت در مهلت قانونی را به شاکی گوشزد کرده و در صورت شمول مرور زمان شکایت، شاکی را به دادگاه حقوقی راهنمایی کند.

1- در ارتباط با چک هایی که جنبه کیفری دارند باید دو مهلت شش ماهه رعایت شود والا حق شکایت کیفری دارنده چک ساقط می‌شود. شود. انظر به مشورتي شماره 1392/10/17-2042/92/7؛ قانون صدور چک، قانون خاص است و مقررات مربوط به طرح شکایت کیفری و مهلت‌های مقرر در ماده 11 این قانون کماکان به قوت خود باقی است.

مرور زمان تعقیب

هرگاه تعقیب متهم، در زمان مقرر قانونی، انجام نشود، مرور زمان تعقیب، «مانع» شروع به تعقیب خواهد شد. این نوع مرور زمان شامل جرایم «قابل گذشت» و «غیرقابل گذشت» می‌شود. مبدأ مرور زمان تعقیب «از تاریخ وقوع جرم» است که این مهم در جرایم مختلف، متفاوت است. آغاز مرور زمان تعقیب در جرایم آنی¹، از لحظه‌ای است که جرم تحقق یافته است (اردبیلی، 1392: 307).

در جرایم مستمر²، مرور زمان تعقیب از روزی آغاز می‌شود که فعالیت مجرمانه پایان پذیرفته باشد (آشوری، 1388: 212). جرم تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی آن، مستند به رأی وحدت رویه شماره 1381/3/7-659 هیئت عمومی دیوان عالی کشور، جرمی مستمر است و تا وقتی که تصرف ادامه دارد، موضوع پرونده مشمول مرور زمان نخواهد شد. ماده 620 قانون آ.د.ک جدید، جرم «فرار از خدمت» را جرم مستمر محسوب کرده؛ بنابراین تا وقتی که فرد نظامی به‌طور رسمی خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی نکند، مرور زمان تعقیب آغاز نمی‌شود.

اگر جرم از جرایم مرکب³ باشد، تاریخ تحقق آخرین جزء آن که سبب کامل شدن جرم می‌شود، مبدأ احتساب مرور زمان تعقیب است (خالقی، 1395: 152). در جرم به عادت⁴، مرور زمان از تاریخ وقوع آخرین عمل که از ارکان تشکیل‌دهنده جرم به عادت است، شروع می‌شود (آشوری، 1388: 212). در جرم افترا (نسبت دادن ناروای یک جرم به دیگری) مستند به رأی وحدت رویه شماره 1349/8/20-228 هیئت عمومی دیوان عالی کشور مهلت مرور زمان از تاریخ قطعی شدن حکم مبنی بر «ناروا بودن» شکایت شاکی شروع می‌شود.

از تاریخ وقوع جرم باید حسب مورد 3 تا 15 سال، به شرح جدول زیر، سپری شده تا جرم مورد نظر، غیرقابل تعقیب شود. جدول شماره یک

1- جرم آنی به فعل یا ترک فعل مجرمانه ای اطلاق می‌شود که تحقق آن دفعاً یا در فاصله زمانی کوتاه انجام می‌گیرد (اردبیلی، 1392: 307).
 2- جرم مستمر عبارت از فعل یا ترک فعلی است که در طول زمان استمرار دارد و مبین قصد سوء و مستمر فاعل است (اردبیلی، 1392: 307).
 3- جرمی را مرکب گویند که عنصر مادی آن از افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه واحدی ترکیب یافته باشد (اردبیلی، 1392: 309).
 4- جرم به عادت موکول به وقوع فعل معین در دفعات مکرر است، چندانکه عادت مرتکب از این افعال احراز شود؛ بنابراین تحقق آن به گذشت زمان نیاز دارد (اردبیلی، 1392: 309).

جدول شماره (1): مجازات قانونی جرم

درجه جرم	مجازات قانونی جرم	مدت مرور زمان
1-2 3	حبس بیش از ده سال یا جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال	15 سال
4	حبس بیش از پنج تا ده سال یا جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال تا سیصد و شصت میلیون ریال	10 سال
5	حبس بیش از دو تا پنج سال یا جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون ریال تا یکصد و هشتاد میلیون ریال	7 سال
6	حبس بیش از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال یا شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه (و تا 99 ضربه در جرایم منافی عفت)	5 سال
7-8	حبس از یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک ریال تا بیست میلیون ریال یا شلاق از یک ضربه تا سی ضربه	3 سال

در محاسبه مدت مرور زمان، نکات زیر باید مد نظر قرار گیرد: 1- به این نکته توجه شود که مجازات قانونی بزه ارتكابی، بدون رعایت کیفیات مخففه یا مشدده، مورد محاسبه قرار گیرد (آخوندی، 1388: 286)؛ 2- در جرایمی که مجازات قانونی آن حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه است، مدت حبس ملاک احتساب مدت مرور زمان است؛ 3- با توجه به تبصره 2 ماده 19 ق.م. اسلامی، مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات جرم و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

کشف جرم، اولین مرحله از فرایند کیفری است. مأمور پلیس باید نسبت به کشف جرم و اطلاع فوری آن به دادستان، در مهلت قانونی اقدام کند؛ زیرا در صورت شمول مرور زمان تعقیب، جرم کشف شده و حتی متهم شناسایی شده، قابل تعقیب نیستند.

چنانچه شاکی در جرم قابل گذشت، ظرف یک سال «از تاریخ اطلاع از وقوع جرم» شکایت نکند، حق شکایت وی ساقط می‌شود. همچنین است اگر «از تاریخ وقوع جرم» 3 تا 15 سال (با توجه به جدول شماره یک) سپری شود و با وصف عدم اطلاع از وقوع جرم، اقدام به ثبت شکایت نکرده باشد؛ برای مثال، اگر مالک خودرو برای آتش زدن ماشین تا 7 سال پس از وقوع جرم، شکایت نکند، حتی اگر مطلع از وقوع آن جرم نباشد، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود.

مرور زمان صدور حکم

هرگاه تعقیب امر جزایی طبق قانون شروع شود؛ اما در مهلت قانونی، حکم قطعی صادر نشده باشد، امکان صدور حکم علیه متهم وجود ندارد. البته در صورت تکرار جرم، مقررات تشدید میزان مجازات، علیه متهم اعمال می‌شود (ماده 137 ق.م. اسلامی).

مواعد در این نوع مرور زمان همان مواعد مقرر در جدول شماره یک است، با این تفاوت که مبدأ مرور زمان صدور حکم، از «تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی» است.¹ اقدام تعقیبی یا تحقیقی برابر تبصره 1 ماده 105 ق.م. اسلامی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند. البته موارد مذکور در این تعریف، تمثیلی بوده و سایر اقدامات قضایی را هم شامل می‌شود.

برای اقدام تعقیبی یا تحقیقی، دو شرط توأماً قابل ذکر است: اقدام با دستور مقام قضایی و در اجرای یک وظیفه قانونی صورت پذیرد. هرگاه مدیر دفتر یک مرجع کیفری دستور احضار متهم را صادر کند یا دستور تجدید اوراق احضاریه و ابلاغ مجدد آنها را بدهد، این اقدامات مصداق اقدام تعقیبی نخواهد بود (آخوندی، 1387: 291). اقدام منشی بازپرس برای رسانیدن پرونده به نظر بازپرس در رأی شماره 1328/11/23-1771 شعبه دوم دیوان عالی کشور، اقدام تعقیبی دانسته نشد (زراعت، 1392: 194).

مرور زمان اجرای حکم

این نوع مرور زمان، آخرین نوع مرور زمان است که در ایران اسلامی به رسمیت شناخته شد. این نوع مرور زمان، مانع اجرای مجازات تعزیری مندرج در حکم قطعی است. مهلت قانونی برای اجرای حکم به شرح جدول شماره دو است که این مهلت، از تاریخ قطعیت حکم² آغاز می‌شود.

1- در قانون آ.د.ک سابق، مبدأ مرور زمان صدور حکم از تاریخ اولین اقدام تعقیبی یا تحقیقی بود و مقنن با توجه به آنکه نتوانست مشکل اطاله دادرسی را حل کند، این مبدأ را به آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تغییر داد.
2- حکم در دو حالت قطعی می‌شود: 1- قطعی شدن حکم در دادگاه صادر کننده آن، به دلیل عدم تجدیدنظرخواهی محکوم علیه و یا به دلیل غیر قابل تجدید نظر بودن حکم صادره 2- صدور حکم قطعی حسب مورد توسط دادگاه تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور.

جدول شماره (2): مجازات مندرج در حکم قطعی

درجه جرم	مجازات مندرج در حکم قطعی	مدت مرور زمان
1-2 3	حبس بیش از ده سال یا جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال	20 سال
4	حبس بیش از پنج تا ده سال یا جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال تا سیصد و شصت میلیون ریال	15 سال
5	حبس بیش از دو تا پنج سال یا جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون ریال تا یکصد و هشتاد میلیون ریال	10 سال
6	حبس بیش از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال یا شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه (و تا 99 ضربه در جرایم منافی عفت)	7 سال
7-8	حبس از یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک ریال تا بیست میلیون ریال یا شلاق از یک ضربه تا سی ضربه	5 سال

جرایم «مرور زمان ناپذیر»

قاعده کلی آن است که مطابق رویه قطعی شورای نگهبان، مجازات از نوع حد، قصاص و دیه مشمول هیچ‌یک از انواع مرور زمان قرار نمی‌گیرد. از آنجا که مرور زمان ریشه فقهی ندارد، در حدود قصاص و دیات اثری ندارد (ساریخانی و کوشا، 1380: 99). هم‌چنین مرور زمان شامل ضرر و زیان ناشی از جرم نمی‌شود؛ چنانچه تعقیب امر کیفری به دلیل شمول مرور زمان موقوف شود، دادگاه کیفری مکلف است به دعوای خصوصی که در آن دادگاه مطرح شده، رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی کند.

جرایم تعزیری زیر هم مشمول هیچ‌یک از انواع مرور زمان قرار نمی‌گیرند: 1- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ 2- جرایم اقتصادی با میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن شامل کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری)، مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی یا مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، پول‌شویی، اخلال در

نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی؛ 3- جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

تعزیرات منصوص شرعی

به تصریح مقنن، دو نوع «مرور زمان تعقیب» و «مرور زمان صدور حکم» شامل «تعزیرات منصوص شرعی» نمی‌شوند. قدر مسلم آن است که جرایم امنیتی و جرایم مواد مخدر «مرور زمان ناپذیر» هستند؛ بنابراین چه جرایم مذکور را «تعزیر منصوص شرعی» بدانیم و چه ندانیم، مشمول مقررات مرور زمان قرار نمی‌گیرند؛ اما در ارتباط با سایر جرایم تعزیری، بدواً ضرورت دارد «تعزیرات منصوص شرعی» را بشناسیم.

در اسلام، دو دسته تعزیر شرعی داریم: دسته اول «تعزیرات شرعی» که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب، بدون تعیین نوع و مقدار، مجازات مقرر شده است. دسته دوم «تعزیرات منصوص شرعی» که به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد؛ بنابراین مواردی که به موجب روایات یا هر دلیل شرعی دیگر، به‌طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر شده بدون آنکه نوع و مقدار آن معین شده باشد، «تعزیر منصوص شرعی» محسوب نشده و می‌تواند مشمول هر یک از انواع مرور زمان قرار گیرد.

با توجه به اینکه تعداد تعزیر داخل در دسته اول بیشتر از تعداد تعزیر داخل در دسته دوم است (قضات دادگستری استان تهران، 1382: 477)، می‌توان گفت اکثر جرایم تعزیری می‌توانند مشمول مرور زمان قرار گیرند؛ به عبارت دیگر، تعزیرات شرعی که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده، مشمول مقررات مرور زمان هستند.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که سابقاً تفکیک جرایم تعزیری از مجازات بازدارنده، دشوار بود و منجر به صدور چند رأی وحدت رویه (آراء شماره‌های 659، 677 و 696) از هیأت عمومی دیوان عالی کشور شد، چه بسا تشخیص «تعزیرات منصوص شرعی» نیز با تهافت آراء مواجه شود.

شمول مرور زمان در ارتباط با جرایم واقع شده در خارج کشور

هر تبعه ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود که به موجب قوانین ایران نیز جرم باشد، باید در تعقیب متهم به قواعد مرور زمان توجه کرد. در این راستا، دو حالت قابل تفکیک است: 1- اگر تبعه ایران در محل وقوع جرم (خارج کشور)، محاکمه و مجازات شده باشد یا مجازات وی مشمول مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور شده باشد، برابر تبصره 2 ماده 107 ق.م. اسلامی، در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌ها، مشمول مرور زمان مجازات بر اساس قوانین ایران است؛ 2- اگر تبعه ایران در محل وقوع جرم (خارج کشور)، محاکمه نشده، در صورتی که در ایران یافت شود یا به ایران مسترد شود، طبق قوانین ایران محاکمه و مجازات می‌شود، مگر اینکه جرم انتسابی به وی، مشمول یکی از انواع مرور زمان، طبق قوانین ایران شده باشد (مستفاد از بند پ ماده 7 ق.م. اسلامی).

قطع مرور زمان

چگونه می‌توان جلوی گذشت زمان به سود متهم را گرفت؟ در مرور زمان شکایت، آنچه سبب قطع مرور زمان می‌شود اقدام به شکایت کیفری توسط بزه‌دیده است (خالقی، 1395: 154). البته شکایت یکی از زیان‌دیدگان از جرم موجب قطع مرور زمان است. قطع مرور زمان هم مطلق¹ است، یعنی نسبت به کلیه شرکا و معاونان جرم اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود؛ به عبارت دیگر، شکایت یکی از بزه‌دیدگان موجب قطع مرور زمان نسبت به مباشر، شریک و معاونان جرم است. همان‌گونه که شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است (ماده 112 ق.م. اسلامی).

در مرور زمان تعقیب، عامل قطع مرور زمان، تعقیب متهم است (خالقی، 1395: 154). در مرور زمان صدور حکم، عامل قطع مرور زمان، قطعیت یافتن حکم کیفری است (خالقی، 1395: 154). در مرور زمان اجرای مجازات، عامل قطع مرور زمان، شروع به اجرای مجازات مقرر در حکم است (خالقی، 1395: 155). هرگاه اجرای مجازات،

1- برابر ماده 112 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آن که تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. از این جهت است که گفته‌اند «انقطاع مرور زمان اثر «عینی» دارد؛ اما تعلیق مرور زمان، اثر «شخصی» دارد (زرراعت، 1392: 193)».

شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است، مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت، مرور زمان اعمال نمی‌شود (ماده 108 ق.م. اسلامی). هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است (ماده 110 ق.م. اسلامی).

تعلیق مرور زمان

تعلیق مرور زمان وضعیتی است که در آن جریان مرور زمان به دلیل عامل خارجی متوقف می‌شود (خالقی، 1395: 156). البته در موارد اناطه و یا تعلیق تعقیب، مدتی که تعقیب «معلق» بوده، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضاء آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود (تبصره 1 ماده 107 ق.م. اسلامی). در موارد تعلیق اجرای مجازات یا آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان از تاریخ لغو قرار یا حکم تعلیق یا آزادی مشروط است (ماده 111 ق.م. اسلامی).

پیشینه پژوهش

(مهدوی، 1336) در تحقیقی با عنوان «در اطراف مرور زمان» ضمن بیان انواع مرور زمان قانونی، به این نتیجه دست یافت که مرور زمان در امور حقوقی و کیفری باید رعایت شود که مبانی مندرج در این مقاله، با مقررات تدوین شده پس از انقلاب اسلامی، دگرگون شد.

(ساریخانی و کوشا، 1380) در مقاله‌ای با عنوان «مرور زمان در جرایم مستوجب حد و تعزیر» به جنبه فقهی موضوع پرداخته و چرایی مرور زمان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که وضع مقررات مرور زمان در جرایم تعزیری، همانند اصل به رسمیت شناختن آن جرایم، حق قانون‌گذار است.

(آشوری، 1388) در کتاب آیین دادرسی کیفری، به موضوع مرور زمان پرداخته و موارد تعلیق و قطع مرور زمان را به روشنی تبیین کرده است.

(آخوندی، 1389) در کتاب آیین دادرسی کیفری، به موضوع مرور زمان پرداخته و شمول هر یک از انواع مرور زمان را دلیل آزادی متهم، بیان کرده است.

(خالقی، 1395) در کتاب آیین دادرسی کیفری، به موضوع مرور زمان پرداخته و به این نتیجه دست یافت که قلمرو شمول مرور زمان در قانون جدید مجازات اسلامی گسترده‌تر شده و 4 نوع مرور زمان را از هم تفکیک کرد.

بر خلاف تحقیقات گذشته که مسئله مرور زمان را تنها از دیدگاه تئوری ارزیابی کرده‌اند در این پژوهش سعی شده تا تأثیر مرور زمان کیفری بر رفتار پلیس، بیان شود که در ادامه به بیان نتایج و پیشنهادهای می‌پردازیم.

بحث و نتیجه‌گیری

غیر از جرایم امنیتی، اقتصادی میلیاردری، مواد مخدر، حدود، قصاص و تعزیرات منصوص شرعی که «مرور زمان ناپذیر» هستند، سایر جرایم می‌توانند مشمول یکی از انواع مرور زمان قرار گیرند.

مرور زمان شکایت تا قبل از سال 1392، فقط در خصوص جرم چک بلامحل وجود داشت. از اردیبهشت آن سال به بعد، این نوع مرور زمان به همه جرایم «قابل گذشت» تسری داده شد.

مرور زمان شکایت
<p><u>مبدأ:</u> از «تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم»، مگر اینکه شاکی تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود.</p> <p><u>مدت:</u> یک سال شمسی</p> <p><u>اثر:</u> حق شکایت کردن شاکی، سلب و ساقط می‌شود.</p>

نوع دیگر مرور زمان، مرور زمان تعقیب است.

مرور زمان تعقیب
<p><u>مبدأ:</u> از «تاریخ وقوع جرم»</p> <p><u>مدت:</u> 3 تا 15 سال شمسی، به تفکیک مندرج در جدول شماره یک</p> <p><u>اثر مرور زمان:</u> تعقیب برخی جرایم تعزیری را، موقوف می‌کند.</p>

چنانچه در مرحله «تحقیقات مقدماتی» مرور زمان شکایت یا مرور زمان تعقیب، حاصل شود؛ بازپرس یا دادیار موظف به صدور قرار موقوفی تعقیب است. قرار موقوفی تعقیب یک قرار شکلی بوده و به معنای عدم امکان تعقیب کیفری متهم، قطع نظر از دلایل اتهام است.

سومین نوع مرور زمان که در این مقاله به آن پرداختیم، مرور زمان صدور حکم است.

مرور زمان صدور حکم
<p><u>مبدأ:</u> از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و یا تحقیقی در پرونده</p> <p><u>مدت:</u> 3 تا 15 سال شمسی، به تفکیک مندرج در جدول شماره یک</p> <p><u>اثر مرور زمان:</u> تعقیب متهم موقوف شده و امکان صدور حکم علیه وی وجود ندارد.</p>

مجازات مندرج در حکم، پس از انقضای 5 تا 20 سال از تاریخ صدور حکم قطعی، غیر قابل اجرا می‌شود.

مرور زمان مجازات
<p><u>مبدأ:</u> از «تاریخ قطعی شدن حکم»، مگر اینکه اجرای تمام یا بقیه مجازات موقوف به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد که در این صورت مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.</p> <p><u>مدت:</u> 5 تا 20 سال شمسی، به تفکیک مندرج در جدول شماره دو</p> <p><u>اثر:</u> عدم امکان اجرای مجازات مندرج در حکم قطعی</p>

اگر در مرحله «رسیدگی»، به دلیل شمول مرور زمان، متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه بدوی و یا دادگاه تجدیدنظر استان، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند. هم‌چنین اگر دیوان عالی کشور، جرم را قابل تعقیب نداند، رأی صادرشده را نقض بلا ارجاع می‌کند. در تمام این موارد، اگر متهم به اتهام دیگری در بازداشت نباشد به دستور دادگاه، فوراً آزاد می‌شود.

چنانچه عنوان مجرمانه طبق قانون آ.د.ک سابق، مشمول مرور زمان نشده باشد، تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، چه تأثیری بر جرایم سابق دارد؟ قدر مسلم آن است که اعمال قانون جدید نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، در ارتباط با مرور زمان شکایت، محدودکننده حق شاکی است. هم‌چنین اعمال سایر انواع مرور زمان (تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات)، با توجه به افزایش مدت مرور زمان (از حداکثر 10 سال در قانون سابق به حداکثر 15 و یا 20 سال در قانون جدید)، به ضرر متهم و یا مجرم است؛ اما با این وصف، ماده 11 ق.م. اسلامی جدید، تصریح می‌کند: *قوانین مربوط به*

مرور زمان، نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، «فوراً» اجرا شود. در این زمینه، استادی معتقدند که قانون جدید فوراً اجرا می‌شود، بدون اینکه در گذشته اثر کند (خالقی، 1395: 161)؛ بنابراین در مورد جرایمی که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید واقع شده‌اند، مبدأ مرور زمان شکایت و مرور زمان تعقیب، تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون جدید است (خالقی، 1395: 163). به نظر می‌رسد این تفسیر، غیرقابل‌پذیرش است؛ زیرا مبدأ مرور زمان شکایت (تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم) و مبدأ مرور زمان تعقیب (تاریخ وقوع جرم) در قانون تصریح شده و قابلیت تفسیر ندارد.

در اینجا سؤالی پیش می‌آید که آیا اجرای فوری قانون در خصوص جرایم سابق، می‌تواند حقوق مکتسبه¹ شاکی یا متهم را محدود کند؟ در ماده 2-112 قانون جزای فرانسه، این موضوع پیش‌بینی شده که چنانچه «اعمال فوری قانون منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت ذی‌نفع شود» نسبت به جرایم ارتكابی پیش از لازم‌الاجرا شدن آنها، تسری نمی‌یابد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اجرای فوری قانون جزای فرانسه، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن، با یک استثناء (اعمال فوری قانون منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت ذی‌نفع شود) همراه شده است، لیکن ماده 11 ق.م. اسلامی جدید، چنین استثنایی را نپذیرفته؛ بنابراین به نظر می‌رسد قواعد جدید مرور زمان، حتی اگر حق شکایت شاکی را از میان بردارد یا به ضرر متهم یا محکوم‌علیه، مدت مرور زمان را افزایش دهد، نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، باید به‌طور فوری اعمال شود. در همین زمینه، اداره حقوقی قوه قضاییه نیز این‌گونه پاسخ داده است: با توجه به صراحت بند «ت» ماده 11 ق.م. اسلامی، مقررات مرور زمان، بر جرایم سابق بر وضع این قانون فوراً اجرا می‌شود؛ بنابراین سقوط حق شکایت شاکی بر جرایم سابق بر وضع این قانون نیز تسری دارد (نظریه مشورتی، 1392: شماره 2042/92/7).

پیشنهادها

1- در ارتباط با مرور زمان شکایت: از آنجا که مأمور پلیس موظف است شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت دریافت کند، شایسته است سقوط حق شکایت شاکی به دلیل شمول مرور زمان، توسط مأمور به شاکی گوشزد شود تا از ابتدا، یک پرونده بدون

نتیجه، تشکیل نشود. هم‌چنین پلیس می‌تواند شاکی را به دادگاه حقوقی راهنمایی کند؛ زیرا به تصریح قانون، سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست و برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، می‌توان به دادگاه حقوقی دادخواست ضرر و زیان داد.

2- در ارتباط با مرور زمان تعقیب: پلیس باید در مهلت قانونی، نسبت به «کشف جرم» اقدام کند و دادستان هم باید در مهلت مقرر، دستور شروع به تعقیب صادر کند و آلا متهم غیرقابل تعقیب می‌شود. مبدأ این نوع مرور زمان با توجه به نوع جرم متفاوت است. آغاز مرور زمان تعقیب در جرم آنی، از لحظه‌ای است که جرم تحقق یافته؛ اما در جرم مستمر، مرور زمان تعقیب از روزی آغاز می‌شود که فعالیت مجرمانه پایان پذیرفته باشد. اگر جرم از جرایم مرکب باشد، تاریخ تحقق آخرین جزء آن که سبب کامل شدن جرم می‌شود، مبدأ احتساب مرور زمان تعقیب است. در جرم به عادت، مرور زمان از تاریخ وقوع آخرین عمل که از ارکان تشکیل‌دهنده جرم به عادت است، شروع می‌شود.

3- با توجه به تغییر مبدأ مرور زمان صدور حکم (از «اولین» اقدام تعقیبی به «آخرین» اقدام تعقیبی یا تحقیقی) پرونده‌های جریانی، کمتر مشمول این نوع مرور زمان قرار می‌گیرند، به‌ویژه که این نوع مرور زمان کمترین ارتباط با وظایف محوله به پلیس را دارد.

4- در ارتباط با مرور زمان اجرای مجازات: پلیس باید در جلب مجرم (محکوم‌علیه)، شمول مرور زمان را مورد توجه قرار دهد. اگر از تاریخ صدور حکم قطعی، مدت زمان قانونی سپری شود؛ درحالی‌که اجرای مجازات شروع نشده باشد، مجازات مندرج در حکم قطعی، غیرقابل اجرا است.

5- در ارتباط با جرایم واقع‌شده در خارج کشور: پلیس اینترپل و کارآگاهان باید بدواً جرایم مشمول مرور زمان شده را لحاظ کنند؛ زیرا تعقیب متهم یا مجرمی که جرایم انتسابی به وی مشمول مرور زمان شده، اثری در تأمین عدالت نخواهد داشت.

منابع

- آخوندی، محمود (1389). آیین دادرسی کیفری. چاپ پانزدهم، جلد اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آشوری، محمد (1388). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (1376). عدالت کیفری. تهران: انتشارات گنج دانش.
- اردبیلی، محمدعلی (1392). حقوق جزای عمومی. جلد نخست، چاپ سی و دوم، تهران: انتشارات میزان، زمستان 1392.
- خالقی، علی (1395). آیین دادرسی کیفری. چاپ سی‌ام، تهران: انتشارات شهر دانش.
- زراعت، عباس (1392). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب 1392. انتشارات ققنوس.
- بوریکن، ژاک؛ سیمون، آن ماری (2003). آیین دادرسی کیفری فرانسه. ترجمه عباس تدین، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- ساریخانی، عادل؛ کوشا، جعفر (1380). مرور زمان در جرایم مستوجب حد و تعزیر. نامه مفید، شماره 26.
- مهدوی، ابراهیم (1336). در اطراف مرور زمان، مجله کانون وکلا. شماره 52، فروردین و اردیبهشت ماه.
- مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران (1382). معاونت آموزش دادگستری استان تهران، جلد سوم، تهران: نشر اشراقیه.
- معین، محمد (1387). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات معین.
- Cassese, Antonio, International Criminal Law (2003). in: Mahdizadeh K (2012) Immunity of Heads of State and its Effects on the Context of International Criminal Law, Lambert Academic Publishing.
- Riyazi, A.A (2010). Advocacy as an Independent Skill, Körver & Sanche Netherland
- Werle, Gerhard (2009). Principles of International Criminal Law, T. M. C. Asser, 2nd edition.

